اتحاد کار
ارگان مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
۱۰۸
اردیبهشت ماه ۱۳۸۲

ویژه اول ماه مه، روز جهانی کارگر

۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه،
روز جهانی کارگر

روز مبارزه برای جهانی بهتر

از اول ماه مه ۱۸۸۶ که کارگران شیکاگو با تظاهرات خود هشت ساعت کار روزانه را بر سرمایه داران آزمند تحمیل کردند، جهان با هر موفقیت جنبش کارگری در کسب حقوق اولیه اش در برخورداری از یک زندگی انسانی در قبال کار خود، یک گام به پیش برداشته و سیمائی انسانی تر یافته است.

بسیاری از دستاوردهای این جنبش هم چون حق کار، بیمه همگانی، محدودیت ساعات کار، بیمه بیکاری، ۴۰ ساعت کار و کمتر در هفته، مرخصی سالیانه و .. که در بسیاری از کشورها هم اکنون اموری بدیهی تلقی می شوند، در ازای تلاش نسل های بزرگی از مبارزان جنبش کارگری به دست آمده اند و به دستاوردهای کل بشریت تبدیل شده اند.

کارگران کشور ما هم آوا با کارگران سراسر جهان هر سال و تحت هر شرائطی، چه در دوران دیکتاتوری پهلوی و چه در دوران استبداد جمهوری اسلامی، همواره اول ماه مه را جشن گرفته اند، همبستگی خود را با مبارزات کارگران در سراسر جهان، در تلاش برای ایجاد جهانی عادلانه و عاری از ستم و استثمار اعلام نموده اند.

روز جهانی کارگر بر تمامی کارگران جهان خجسته باد!

www.iran-archive.com

جنبش کارگری ایران، موقعیت و چشم انداز آن

مصاحبه با ناصر سعیدی از فعالین جنبش کارگری

در صفحه ۲

تظاهرات ده ها هزار نفری در بهشهر	۴
۲ گزارش	۷

چگونه صنایع نساجی کشور نابود و ده ها هزار کارگر بیکار شدند؟

طی سال های گذشته ، و بویژه در دوسال اخیر، واحدهای بزرگ نساجی ایران شاهد رشد و گسترش مبارزات کارگران بوده است. توسعه دامنه اعتراضات و تظاهرات شاغلان در این رشته با سابقه وپراهمیت صنعتی ، صرفا ناشی از تعداد نسبتا زیاد واحدهای بزرگ نساجی ، در قیاس با دیگر رشته های تولیدی ، نبوده و بلکه زاییده وضعیت شدیدا بحرانی و رو به زوال این صنعت بوده است. بخش بزرگی از صنایع نساجی کشور ، به برکت سیاست های رژیم اسلامی طی سالیان گذشته نابودشده و بخش باقی مانده آن نیز ، اکنون در تقلای مرگ وزندگی است. اعتراضات و اعتصابات کارگران نساجی ، طی این مدت ، نه تنها برای دریافت حقوق و دستمزدهای معوقه – معضلی که گریبانگیر غالب رشته ها و واحدهای تولیدی است – بلکه فراتر از آن ، تلاش برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه ها و اخراج و بیکاری دسته جمعی کارگران و در واقع ، به خاطر دفاع از حق کار و حیات خود بوده است.

ادامه در صفحه ۵

جنبش کارگری ایران ، موقعیت و چشم انداز آن

مصاحبه با ناصر سعیدی از فعالین جنبش کارگری

این گفتگو هم زمان شده با مقطعی که نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس درگیرودار اشغال نظامی عراق هستند. شرایط جدید چه تاثیراتی بر مبارزات کارگران ایران دارد؟

اشغال نظامی افغانستان و عراق دوره استعمار کهن را تداعی می کند. دوره ای که درآن استعمارگران به بهانه های گوناگون سرزمین هایی را به تصرف نظامی خود درمی آوردند و در نهایت دولت دست نشانده خویش را برآن سرزمین ها حاکم می کردند. بازنده اصلی چنین جنگی در درجه اول مردم عراق و در درجه بعد مردم کل منطقه هستند. رقم کشته شدگان و مجروحین عراقی به هزاران نفر رسیده است. به زیرساخت اقتصادی کشور لطمات شدیدی وارد آمده است. راه های ارتباطی ، فرودگاه ها ، نیروگاه های برق و حتی مدارس ، بیمارستان ها و منازل مسکونی مردم از گزند بمباران ها ، موشک ها و تیربارهای آمریکایی و انگلیسی مصون نیستند. گزافه نخواهد بود اگر بگوییم این جنگ ، اقتصاد عراق را سالیان سال به عقب باز می گرداند.

صدمات ناشی از جنگ اما بسیار فراتر از کشور عراق می رود و بخش های مهمی از جهان را دربرمی گیرد. سیاست جنگ طلبانه کابینه جورج بوش سال ها پیش از به روی کارآمدن او توسط یک جریان دست راستی و نظامی به نام »پروژه مربوط به آمریکا در سده جدید (PNAC) « تدوین شده بود. این نهاد که در سال ۱۹۹۷ تاسیس شده خواهان بازگشت به »بینش ریگانی «و حضور نظامی گسترده ایالات متحده آمریکا در مناطق مختلف جهان و از جمله در خاورمیانه و خاور دور است. اینک بسیاری از اعضای PNACدر مقام های حساس دولتی قرار دارند. از آن جمله اند: دیک چینی (معاون رئیس جمهور) ، رونالد رامزفلد (وزیر دفاع) ، پاول ولفویچ (معاون وزیردفاع) و جان برلتون (معاون وزیر امور خارجه) × . خود جورج بوش نیز مدت ها پیش از شروع جنگ آشکار ساخته بود که هدفش بسیارفراتر از کشور عراق می رود و از محور شرارت (عراق ، ایران و کره شمالی) نام برده بود.

هم چنین در بعدی گسترده تر ، دوره جدیدی از تجاوزگری های نظامی و مسابقه تسلیحاتی بین قطب های سرمایه داری ، چهره جهان را تیره تر می کند. بودجه نظامی ایالات متحده قرار است در سال ۲۰۰۴ از حد ۴۰۰ میلیارد دلار تجاوز کند. این میزان از مجموع بودجه نظامی ۱۵ کشور به ترتیب بزرگ جهان بیشتر است. به علاوه جریانات مختلف در کشورهای اروپایی ، از محافظه کاران گرفته تا سوسیال دموکرات ها و سبزها ، آشکارا از ضرورت تقویت بنیه نظامی اروپا سخن می گویند. کشورهای دیگر نیز به فراخور امکانات شان در این راه گام خواهند گذاشت. خود این مسابقه تسلیحاتی اساسا به خرج توده های مردم به پیش خواهد رفت و تاثیری منفی بر حقوق دموکراتیک و انسانی در جوامع گوناگون خواهد گذاشت.

طبیعتا در ایران هم این جنگ همه مسائل اجتماعی دیگر ، از جمله مبارزات کارگری را تحت الشعاع قرار داده است. در این جا بی مناسبت نیست که بخشی از نامه ای را که اخیرا از ایران به دستم رسیده ، برایتان نقل کنم : »از نظر مردم درباره جنگ پرسیده ای. ماحصل برخوردها و شنیده هایم را برایت می نویسم:..... ابتدا از حمله شوکه شده بودند و ترس از گسترش جنگ به ایران کاملا مشهود بود. تقریبا همه تجاوز به عراق را محکوم می کنند ، حتی کسانی که فرزندانشان در جنگ ایران و عراق کشته شده اند هم عمدتا آمریکا را محکوم می کنند. در این جا کسی نگران صدام نیست (یکی از دوستانم که تعطیلات عید را به اهواز رفته بود از همدلی عرب های آن جا با صدام می گفت.) روحیه ضدآمریکایی فعلا بالا رفته است. خیلی ها آرزو داشتند که ارتش عراق اگر نمی تواند آمریکا را شکست دهد حداقل ضربات جدی برآن وارد کند. صحبت اصلی این است که اگر آمریکا برای نفت آمده است و زن و بچه های بیگناه عراقی را قربانی می کند تا به هدف خود برسد. کسانی که قبلا می گفتند ای کاش آمریکا بیاید و ما را نجات دهد ، الان پس از حمله به عراق کاملا از نظر خود برگشته اند. در ضمن کلیه مسایل داخلی تحت الشعاع جریان جنگ است و مردم با پی گیری ، اخبار را دنبال می کنند. برنامه های رادیو تلویزیون های سلطنت طلبان اگرچه پربیننده است اما حمایت حضرات از آمریکا موجب دلخوری مردم شده است. حتی در موارد متعدد شنیده ام که مردم می گفتند که این ها نوکر آمریکایی ها هستند. البته توجه داشته باش که این برخوردها در مقطع کنونی است.... «

صرف نظر از این که این نقل قول تا چه اندازه بتواند روحیه عمومی در ایران را منعکس کند ، اما دراین که جنگ مسایل دیگر را به حاشیه رانده ، شکی نیست. البته هنوز برای ارزیابی دامنه تاثیر این تحولات بر مبارزات کارگران ایران بسیار زود است. اما تا همین جا می توان گفت که این جنگ ، دست کم در کوتاه مدت ، خواسته های کارگران را تحت الشعاع قرار داده و شرایط دشوارتری برای طرح مسایل کارگری پدیدآمده است. همچنین این خطر کاملا وجود دارد که جمهوری اسلامی بر بستر این فضای نظامی در منطقه ، خفقان در جامعه را شدیدترکند.

ارزیابی شما از مبارزات مطالباتی کارگران ایران درحال حاضر چیست؟ مبارزات کارگران حول چه خواست های معینی انجام می گیرد؟

بر کمتر کسی پوشیده است که کارگران ایران ، امروزه یکی از پرمشقت ترین دوره های تاریخ خود را تجربه می کنند. عدم امنیت شغلی ، تن دادن به کارهای جانبی ، به تعویق افتادن پرداخت دستمزدها ، کار در جمعه ها و روزهای تعطیل ، دستمزدهای ناچیز ، جرایم گوناگون در محیط های کار ، سوانح شغلی ، مشکلات تغذیه ، پایین آمدن عمر متوسط کارگران ، وجود میلیون ها بیکار ، سرکوب اعتراضات و نارضایتی ها ، نداشتن حق تشکل و اعتصاب و... ، همه و همه زندگی را بر کارگران تباه تر کرده است. یکی از فعالین کارگری داخل کشور در مصاحبه ای با یکی از سایت های خبری ، گوشه هایی از وضعیت فلاکت بار تهیدستان را به خوبی توصیف کرده است. او در بخشی از مصاحبه اش می گوید: »وضعیت اجتماعی و معیشتی کارگران و کارمندان در ایران فاجعه بار است. من کلمه ای مناسب تر از فاجعه برای بیان وضعیت کارگران و مزدبگیران پیدا نکردم.... بیایید ببینید این جا چه خبر است. چقدر جوان بیکار شب ها را در زیر آسمانی که به اندازه آینده و سرنوشت آنها مه آلود و تیره است ، سر می کنند. چقدر زن و دختر جوان بدون شرم و ترس برای گذران زندگی دردناک خود در ازای لقمه ای نان خودفروشی می کنند. مواد مخدر مانند نقل و نبات در میان جوانان پخش و توزیع می شود. خیابان ها مملو از از جوانان ولگرد ، کودکان خیابانی بی سرپرست ، زنان و مردان پاک باخته ، کارگران بیکار و شاغلین بی مزد است. شما فکر می کنید کودکان ولگردی که در میان زباله ها برای یافتن روزی خود در کثافت غوطه می خورند ، فرزندان چه کسانی هستند ؟«

بر بستر چنین شرایط اسفناکی است که کارگران دست به مبارزه می زنند. به طور کلی در دو سه سال اخیر شاهد رشد مبارزات و اعتراضات کارگری بوده ایم. این نکته ای است که حتی در نوشتجات و گفته های دست اندرکاران خانه کارگر و نهادهای کارگری رژیم منعکس است. خواسته های کارگران عمدتا تدافعی و برای جلوگیری از وخیم تر شدن و ضعیت زندگی شان است. مطالبات پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و جلوگیری از اخراج ها ، اعتراض به خصوصی سازی ، مخالفت با کارهای قراردادی

www.iran-archive.com

و تعیین حداقل دستمزد متناسب با نرخ رشد تورم ، جزو مطالبات مهم کارگری هستند. در کنار این خواست ها در مواردی مطالباتی چون افزایش دستمزد و مزایا ، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل ، اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد برای مشاغل سخت نیز طرح می شود. بویژه در پایان هر سال مبارزه برای افزایش دستمزد و مزایا شدت می یابد. علاوه بر خواست های نامبرده ، خواست تشکل مستقل کارگری و حق اعتصاب امروزه در محافل و فعالین کارگری بویژه در میان کارگران نفت ، خواست حاافتاده و شناخته شده ای است.

درمورد اشکال مبارزه چه شیوه هایی را کارگران به کار می گیرند؟

از نظر اشکال مبارزه دو ویژگی مهم در اعتراضات کارگری دیده می شود. اولا اعتصاب آن وزن سابق را در مبارزات کارگری ندارد و اگر هم اعتصابی رخ بدهد معمولا کوتاه مدت است. اصولا هنگامی که بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی به تعطیلی کشانده می شوند و یا پایین تر از ظرفیت شان کار می کنند و کارگران نیاز شدید به حفظ شغل شان دارند ، اعتصاب در بسیاری موارد سلاح مناسبی نیست. این را کارگران به تجربه دریافته اند. ثانیا کارگران به اشکال متنوعی از مبارزه دست می زنند تا اعتراض خود را از چاردیواری محیط کار فراتر برده و به درون خیابان ها و جامعه بکشانند. راه پیمایی ، بستن راه ها ، تجمع در مقابل مجلس و ادارات دولتی و تحصن در خارج از کارخانه جزو اشکال متداول مبارزه در این دوره بوده است. در ماه های اخیر شاغلین قرقره زیبا در تهران ، شرکت لوله سازی اهواز ، بافنار اصفهان ، شرکت های نساجی کرمانشاه ، شرکت چینی گیلان ، چیت سازی بهشهر ، چیت ری ، مهیاران اصفهان ، تولیدی الیاف و تولیدی اسفنج در شیروان و.. جزو کارگرانی بوده اند که به خیابان ها آمده و جلوی مراکز دولتی تجمع کرده اند. این شکل مبارزه در عین حال به انعکاس گسترده تر اخبار اعتراضات کمک می کند.

با توجه به نمونه اعتراضات کارگری در دوره اخیر که به برخی از آن ها اشاره کردی ، خواسته های مشترکی را کارگران در واحدهای مختلف و جدا از یکدیگر بیان داشته اند. سئوال اینست که چه راه کارهایی برای سازماندهی مشترک میان کارگران باید بوجود آید؟

بخشی از خواسته های کارگران ، همان طور که اشاره کردید جنبه عمومی و فراکارخانه ای دارد ، مثلا لغو قراردادهای موقت ، افزایش دستمزدها ، امنیت شغلی ، جلوگیری از بیکارسازی ها و حق اعتصاب. اما با وجود این شاهد هستیم که مبارزات فراموسسه ای برای این مطالبات عمومی به ندرت صورت می گیرد. علت چیست ؟ چرا کارگران که به عینه و با گوشت و پوست خود هم سرنوشتی و هم دردی خود را با کارگران بخش های دیگر می بینند و درک می کنند ، به مبارزه ای مشترک دست نمی زنند و هم چنان به اعتراضات پراکنده ادامه می دهند ؟ به نظر من مهم ترین علت ، نبود یک تشکل نیرومند و سراسری کارگران است. شعار قدرت کارگران در اتحاد آنان است ، شعاریست که عصاره قرن ها مبارزه و پراتیک اجتماعی را درخود دارد و نمی توان به سادگی از کنارآن گذشت. کارگران غیرمتشکل هر قدر هم که مبارز و از خودگذشته باشند ، صدای شان به جایی نمی رسد. اگر هم در این یا آن مرکز تولیداتی یا خدماتی دستاوردی به چنگ آورند ، اولا این دستاورد تثبیت شده نیست و هر لحظه امکان تعرض به آن وجود دارد. ثانیا با وجود تورم و بیکارسازی ها و صدها مشکل اجتماعی دیگر ، چندان بهبودی در وضعیت کارگران ایجاد نمی کند. بنابراین مبارزه برای ایجاد یک تشکل مستقل فراکارخانه ای ، شاه کلید پیشرفت جنبش کارگری است. کارگران پیشرو سال هاست که این نکته را دریافته اند و به آن فکر می کنند. البته ایجاد چنین تشکلی در شرایط سرکوب و با وجود تشکل های رنگارنگ فرمایشی و وابسته به دولت دشوار است. اما آن چه مسلم است ، ایجاد تشکل کارگری فی البداهه صورت نمی گیرد ، روندی است که نیاز به تدارک و مبارزه دارد و گاه ممکن است سال ها طول بکشد.

ایجاد تشکل های کارگری در کشورهای گوناگون ، بنا به شرایط مبارزه طبقاتی متفاوت است و هیچ نسخه از پیش تدوین شده ای برای آن وجود ندارد. هم چنین ساختار و ترکیب این تشکل ها می تواند بسیار متفاوت باشد.اما می توان پیش بینی کرد که نقش کلیدی را در ایجاد تشکل کارگری ، کارگران مراکز بزرگ صنعتی و خدماتی و بویژه بخش پیشرو مزدبگیران ، مثلا کارگران صنعت نفت ، ایفا خواهد نمود. در عین حال تثبیت و ادامه کاری تشکل های کارگری نیاز به جلب پشتیبانی بخش های غیرکارگری جامعه دارد. به درجه ای که فعالین کارگری بتوانند نشان بدهند که وجود تشکل های کارگری چه اهمیت زیادی برای حفظ و تثبیت حقوق انسانی ، ازادی های دموکراتیک و ترقی و پیشرفت اجتماعی برای کل جامعه دارد به همان اندازه زمینه فرهنگی و فکری لازم برای ایجاد این تشکل ها فراهم می شود.

مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل و نیرومند کارگری ، در عین حال جزیی از فعالیت سوسیالیستی کارگران سوسیالیست هم هست. زیرا تشکل مستقل کارگری می تواند زمینه ای را فراهم آورد که کارگران با روحیه دخالت گری ، با اعتماد به نفس و کاردانی وارد فعالیت های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی شوند ، به همان نسبت امکان پیشروی آنان در انقلاب آینده بیشتر خواهد شد. ××

وجود تشکل های مستقل و مبارز کارگری در عین حال زمینه را برای از بین بردن ضعف های دیگر مبارزات کارگران ایران فراهم می آورد. این تشکل ها می توانند رابطه بهتری بین بخش های مختلف طبقه کارگر (کارگران موسسات بزرگ و کوچک ، رشته های صنعتی و خدماتی ، مردان و زنان و غیره) پدید آورند. آن ها همچنین قادرند با تماس با تشکل های اقشاردیگر ، ضمن حفظ تمایزات طبقاتی ، به تقویت پیوند بین کارگران و اقشار دیگر یاری رسانند.

چشم انداز مبارزات کنونی کارگران را چگونه می بینید؟

چنان که می دانید مبارزات کارگران ایران در خلا رخ نمی دهند. این مبارزات از وضعیت سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی جامعه و شرایط بین المللی تاثیر می گیرند. همان طور که در ابتدا گفتم ، دور جدید تعرضات نظامی ایالات متحده که با روی کارآمدن جورج بوش آغاز شده ، آینده خوبی را در خاورمیانه نوید نمی دهد. تاثیر کوتاه مدت سیاست آمریکا این است که مبارزات و مطالبات کارگری تحت الشعاع مسائل دیگر قرارگیرد. در عین حال هیات حاکمه ایران فرصتی می یابد که به بهانه حضور نیروهای آمریکا در منطقه و نظامی شدن فضای منطقه و کشور ، به تعرض جدیدی علیه حقوق مردم دست بزند. در این میان جناح حاکم در جمهوری اسلامی که نهادهای ولایت فقیه ، شورای نگهبان ، قوه قضاییه و فرماندهی کل قوای نظامی را در تصرف دارد ، نه فقط در سرکوب آشکارتر و وحشیانه تر مبارزات مردم دست دارد ، بلکه نفس وجود آن ها بهانه مناسبی است برای حمله به ایران. وجود عناصری چون خامنه ای و رفسنجانی در نهادهای کلیدی جمهوری اسلامی که به حکم دادگاه میکونوس به عنوان تروریست تحت تعقیب قراردارند ، می تواند دستاویزی برای حملات تجاوزکارانه آمریکا و متحدینش به ایران باشد. . چنین حمله ای قطعا فاجعه ای برای کل جامعه و کارگران خواهد بود.

از سوی دیگر ، تا آن جا که به مبارزات کارگری برمی گردد ، همه جناح های رژیم موضع مشابه ای دارند. کافیست به یاد بیاوریم که در دوره ریاست جمهوری خاتمی ، اقدامات و طرح های ضدکارگری متعددی به اجرا درآمده است. از آن جمله اند:

- ادامه طرح تعدیل نیروی انسانی و خصوصی سازی ها که منجر به بیکارسازی انبوهی از کارگران شده است.
- ادامه روند تبدیل کارگران رسمی به کارگران موقت و گسترش قراردادهای موقت کار.
- سیاست حذف سوبسید (یارانه) برای بخشی از کالاهای موردنیاز.

ادامه در صفحه ۷

www.iran-archive.com

در آستانه اول ماه مه

تظاهرات ده ها هزار نفری در بهشهر

برای دریافت حقوق پرداخت نشده کارگران

یکی از نمایندگان کارگران: "خواست ما مشخص است، مطالبات یکسال گذشته خود را میخواهیم اما مسؤولان چیز دیگری میگویند و محدودیت های موجود برای فروش اموال شرکت را مطرح میکنند."

روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه، کارگران نساجی در بهشهر به خیابان ها رفتند و با راهپیمائی در مرکز شهر خواستار رسیدگی به وضعیت شان و پرداخت حقوق عقب افتاده خود شدند. اعتراضات کارگران با همدردی و پشتیبانی مردم مواجه شد. و در ادامه مورد یورش نیروهای سرکوب حکومت قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری کار ایران، در این روز بهشهر شاهد درگیری خشونت بار مردم با نیروهای انتظامی بود، و پلیس با کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر درگیر شد و بااستفاده از گاز اشک آور و باتوم تلاش نمود از راهپیمائی کارگران جلوگیری کند. معترضان خواهان پرداخت حقوق خود بودند که چند ماه است پرداخت نشده است و نسبت به وضعیت موجود به شدت اعتراض می کردند. در پایان این راهپیمائی کارگران به مسئولین امور ۴۸ ساعت مهلت دادند که به خواست های آن ها رسیدگی شود.

فرماندار بهشهر، با بیان اینکه این تجمع تا حدی که قانون اجازه داده است، دارای مجوز بوده است، افزود: البته وقتی که انسان گرسنه باشد و طلب کار هم باشد و ببیند که حقش ضایع شده است، خیلی بدنبال تجمع نیست، ما هم نیامدیم جلویشان را بگیریم و بگوییم شما حرفتان را نزنید و یا انتقاد نکنید، اگر این تعبیر را بعنوان مجوز بگیریم، مجوز داشتند، ولی مثل گروههای سیاسی که می آیند مجوز می گیرند و راهپیمایی می کنند نبوده است، اما تا این حدی که قانون اجازه داده است، می آمدند و می نشستند و اعتراض خودشان را بیان می کردند، مجاز بوده اند.

وی دستگیری تعدادی از کارگران معترض را تأیید کرد و گفت: متأسفانه در این اعتراض ها، برای مردم مزاحمت به وجود آمد، مغازه ها تعطیل شد، بعضا به مردم توهین و فحاشی شد که این امر باعث سلب آرامش از مردم شهر شد و چون سلب آرامش عمومی از لحاظ قانونی جرم است، نیروهای انتظامی هم مبادرت به دستگیری چند تن از آنها نمود که پس از ساعاتی آزاد شدند.

علی اصغر رحمانی خلیلی نماینده بهشهر: تجمع کارگران سیاسی بود

علی اصغر رحمانی خلیلی که خود را "اصلاح طلب" می داند. بدون هیچ گونه اشاره ای به مشکل حقوق معوق کارگران در اولین واکنش اظهارنظر کرد که راهپیمائی کارگران توطئه علیه دولت است :

"من به محض اینکه اعتصاب شروع شد گفتم که این حرکت سیاسی است و در پشت این حرکت کارگران عزیز، جریانهای سیاسی نهفته است که قصدش نادیده گرفتن خدمات نمایندگان دولت و مردم است، گروههایی که به انتخابات نگاه دارند و دنبال بحران سازی هستند، کارگران ما باید بدانند که چنین حرکتهایی باعث فرار سرمایه از بهشهر شده و دیگر هیچ صاحب سرمایه ای حاضر نیست که در شهری که دچار آشوب و هرج و مرج می شود، سرمایه گذاری کند، البته ما مدارکی داریم که نشان می دهد جریان کاملا هدایت شده و سیاسی است."

دبیر اجرایی خانه کارگر استان مازندران: راهپیمایی ۲۷ فروردین ماه، تجمع کارگری نبود،

نصر الله دریابیگی دبیر اجرایی خانه کارگر استان مازندران هم، قبل از اشاره به مشکلات کارگران به آنان هشدار داد تا مراقب جریانهای سیاسی و سوء استفاده ای که از خواسته های بحق آنها می شود، باشند. دبیر خانه کارگر اعتراف نمود که : البته بنده اینجا می گویم که تأمین اجتماعی باید با کارگران همراهی کند، باید مشکل آنها حل شود، تعدادی از کارگران بازنشسته شوند، من بعنوان دبیر اجرایی خانه کارگر استان در همه اعتصابات کارگری در کنار کارگران بودم، با اعتصاب قانونی و قانونمند نه تنها مخالف که موافق هم هستم، اما تاکید نمود که راهپیمایی ۲۷ فروردین ماه، که قریب سی هزار نفر در آن شرکت کرده بودند، تجمع کارگری نبود، جز یک حرکت سیاسی چیز دیگری نبود.

دریابیگی هم چنین تائید کرد که تعداد ۲۰ نفر از کارگران دستگیر شده بودند و وی در جلسه شورای تأمین خواستار آزادی آنان شده است و مدعی شد که روز بیست هشتم فرودین ماه همگی آنان آزاد شده اند.

ادامه اعتراض کارگران در "بهشهر "

با پایان یافتن مهلت ۴۸ ساعته کارگران کارخانه "چیت سازی "به مسؤولان محلی بهشهر، روز دوشنبه این شهر باردیگر شاهد اعتراضات گسترده کارگران و فضایی ملتهب بود.

به گزارش خبرنگار "رویداد "روز دوشنبه کارگران سازماندهی اعتراض خود را به وسیله "سه سوت "کارخانه خود انجام دادند. با سوت اول کارگران جمع شدند. سوت دوم که به منزله آخرین اخطار به مسؤولان بود، آمادگی آنها را برای حرکت اعلام کرد و با سوت سوم، موج کارگران به سمت شهر راه افتاد و با تعطیل کردن بازار و افزوده شدن مردم به آنها، بهشهر باردیگر چهره ای ناآرام به خود گرفت.

یکی از نمایندگان کارگران در جریان اعتراضات روز دوشنبه گفت: "خواست ما مشخص است، مطالبات یکسال گذشته خود را میخواهیم اما مسؤولان چیز دیگری می گویند و محدودیت های موجود برای فروش اموال شرکت را مطرح می کنند ."

مطالبات کارگران بهشهر خواست کارگران در سراسر ایران است

عدم پرداخت حقوق بخور و نمیر کارگران در سراسر ایران امری نه نادر ، بلکه یک قاعده عمومی شده است و مبارزه برای دریافت حقوق معوق کارگران در بسیاری موسسات تولیدی و کارخانه های کشور یک امر روزمره است . از جمله این که بر اساس گزارش دیگری که همین روز ها داده شده است، کارگران نساجی پارس ایران نیز که بیش از ۲۹۰ نفر درآن شرکت شاغل هستند مطالبات قانونی خود را از جمله حقوق و عیدی و پاداش و بن کارگری از ماه تیر ۱۳۸۱ طلبکار هستند .

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا - محمد یعقوبی دبیر اجرایی خانه کارگر تشکیلات گیلان با اعلام این مطلب افزود : کارگری که بیش از ۷ ماه حقوق نگیرد، چگونه میتواند جواب زن و فرزند خود را بدهد. وی افزود :کارگران نساجی پارس از سال ۷۹ نیز مطالباتی طلبکار هستند و بعضا به غیر از حقوق ۷ ماه سال ۸۱ هر کدام تا حدود ۳۰۰ هزار تومان نیز از شرکت، حقوق طلبکارند.

به اعتراف علیرضا محجوب دبیرکل خانه کارگر روند خصوصی سازی درکشور موجب بحران در ۶۰۰ واحد تولیدی و عدم پرداخت بین ۳ تا ۲۰ ماه حقوق در این واحدها گردیده است.

به گفته دبیرکل خانه کارگر، وضعیت کنونی صنعت نساجی و کفش کشور و حوادث اخیر بهشهر ناشی از عدم دریافت بیش از ۱۶ ماه حقوق کارگران می باشد.

سیاست اقتصادی حکومت اسلامی در طول نزدیک به ربع قرن گذشته نه فقط کل اقتصاد کشور را به ورشکستگی و سقوط سوق داده است، بلکه قبل ازهمه، زندگی کارگران و دیگر مزد بگیران کشور را در ابعادی میلیونی تخریب نموده و بخش وسیعی از مزدم کشور ما را به فقر و فلاکت اقتصادی کشانده است.

archive.com

چگونه صنایع نساجی کشور نابود و ده ها هزار کارگر بیکار شدند؟

ادامه از صفحه ۱

وضعیت رقت انگیزی که صنایع نساجی ایران امروز با آن روبرو شده اند ، از سال ها پیش قابل پیش بینی بود. اما اعتراضات و هشدارهای کارگران و اخطارهای مکرر کارشناسان و صاحب نظران متعهد و علاقمند به حفظ و تقویت صنایع کشور ، عملا هیچ سودی نبخشید و کارخانه های بزرگ ریسندگی و بافندگی یکی پس از دیگری به ورشکستگی ، تعطیلی و توقف کامل رسیدند.

در سال ۱۳۷۶ ، تعطیلی ۱۷ کارخانه نساجی به دلیل عدم فروش محصولات ، ناتوانی در پرداخت هزینه ها و... اعلام گردید. در سال ۱۳۷۷ ، اعتصابات و تظاهرات پراکنده در بیش از ده واحد بزرگ ، نتوانست عملا مانع از اخراج هزاران نفر از شاغلان پرسابقه این رشته شود و بسیاری از این واحدها هم تمام یا بخشی از فعالیت های تولیدی خود را متوقف کردند.

از حدود ۸ سال پیش تا کنون ، واحدهای متعدد ریسندگی و بافندگی قائم شهر ، صحنه تلاش ها و پیکارهای پیگیر بیش از ۲ هزار کارگر نساجی در دفاع از حق اشتغال و ادامه فعالیت این واحدهای صنعتی قدیمی بوده است. با وجود همه این تلاش ها ، و برخلاف وعده های گوناگون مسئولان محلی و دولتی ، در عمل هیچ اقدامی برای بهبود و بازسازی این واحدها انجام نگرفت ، چنان که امروز هم بخش بزرگی از آن ها تعطیل گردیده و باقی مانده آن ها نیز ، طبق هشدار کارگران در اسفندماه گذشته ، در خطر تعطیلی قریب الوقوع است. کارخانه چیت سازی بهشهر نیز ، که زمانی از بزرگ ترین واحدهای نساجی کشور با حداقل ۳ هزار کارگر و تولید روزانه ۱۲۰ هزار متر پارچه بود ، پس از واگذاری آن به بخش خصوصی در سال ۱۳۷۳ ، به سرنوشت مشابهی گرفتار شد. در اثر این تغییر و تحولات ، بیش از هزار نفر از شاغلان آن از کار بیکار شدند و درحال حاضر نیز حدود ۱۸۰۰ نفر از کارگران آن با بلاتکلیفی ، عدم دریافت حقوق و مشکلات متعدد دیگر مواجهند.

کارگران کارخانه چیت ری ، یکی دیگر از واحدهای بزرگ و شاخص صنایع نساجی که بعد از انقلاب در اختیار "بنیادمستضعفان" قرار گرفته بود ، نیز طی سال های گذشته از مبارزه برای نجات و تداوم فعالیت این کارخانه دست برنداشته اند. تجمع و تحصن حدود ۱۶۰۰ نفر از کارگران آن در مقابل مجلس ، در خرداد سال ۸۰ ، از جمله تلاش های آن ها بوده است. اظهارات یکی از کارگران معترض دراین باره ، به روشنی گویای وضعیت این کارخانه و بسیاری دیگر از واحدهای مشابه است: "کارخانه ما را با قیمت ناچیزی به بخش خصوصی واگذار کردند و ظرف مدت کوتاهی کارخانه ای که با رونق بسیار کار می کرد به دلیل نداشتن مواد اولیه فلج شد. در این زمان حقوق کارگران عقب افتاد و وقتی ما از بنیاد خواستیم جواب کارگران را بدهند ، آن ها اظهار داشتند ما کارخانه را واگذار کرده ایم ... ."هم اکنون نیز ظاهرا وضعیت مالکیت این کارخانه بلاتکلیف است ولی با وجود همه حرکت های اعتراضی کارگران ، سرنوشت آن هم قبلا رقم خورده است زیرا که تفکیک و فروش زمین های آن هم به مرحله اجرا نزدیک شده است !

بسیاری از واحدهای نساجی اصفهان ، مرکز عمده دیگر تولید منسوجات کشور ، و از جمله کارخانه های فاستونی رحیم زاده ، بافناز ، پروین ، سیمین و مهیار نیز ، در شرایط حاکم ، سرنوشت بهتری از کارخانه های تهران و مازندران ، در پیش روی ندارند. بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران صنایع نساجی اصفهان در مهرماه ۱۳۸۰ به خیابان های این شهر ریختند تا صدای اعتراض خود را نسبت به تعطیل کردن این واحدهای صنعتی را به گوش همگان برسانند. با این همه ، روند زوال و نابودی غالب کارخانه های بزرگ نساجی در اصفهان نیز مانند خراسان ، تبریز ، کرمانشاه ، رشت ، و... کماکان ادامه دارد. بر اساس آن چه که در مطبوعات درج شده ، در ۹ ماهه اول سال ۱۳۸۱ نیز ۱۴ واحد نساجی بزرگ تعطیل گردیده وبیش از ۲۰ واحد از آن ها در معرض تعطیلی قرار گرفته است.

واقعیت روزگار سیاه صنایع نساجی کشور در حال حاضر آشکارتر از آنست که مسئولان حکومتی و یا مدیران و دست اندرکاران مختلف این رشته مهم از فعالیت های اقتصادی ، قادر به انکار و یا کتمان آن باشند. هر چند که هر کدام از آن ها ، برحسب موقعیت و مسئولیت خود ، دلایل و عوامل متفاوت و متضادی را برای افت و سقوط آن عنوان می کنند.

دبیر "انجمن صنایع نساجی ایران "، در مصاحبه ای در اسفندماه ۱۳۷۷ ، با اشاره به این که "متاسفانه مدت مدیدی است که انبوهی از مشکلات گوناگون بر روند تولید در بسیاری از صنایع کشور بویژه صنایع نساجی و پوشاک سلطه افکنده و اکثر قریب به اتفاق کارخانه های فعال در این بخش را کمابیش با مشکل مواجه کرده است " ، "فقدان استراتژی صنعتی ، واردات بی رویه و قاچاق منسوجات خارجی ، تحمیل ده ها نوع عوارض و هزینه های مختلف از سوی سازمان ها و ادارات به کارخانه ها ، فرسودگی ماشین آلات کارخانه های قدیمی ، کمبود مواد اولیه و قطعات و لوازم یدکی ... کمبود شدید نقدینگی ، ضعف شیوه مدیریت و موانع صادرات ، را از جمله مشکلات واحدهای نساجی عنوان کرده و خواستار تشکیل " ستاد ویژه ای از سوی ریاست جمهوری " برای بررسی مسائل این صنعت می شود. وی حدود ۲ سال بعد از آن ، طی مصاحبه ای دیگر ، با اعلام این که "وضعیت صنایع نساجی ، به مراتب بدتر از سال های پیش است ، تولید کارخانه ها همه پایین آمده و رویهمرفته چشم انداز خوبی وجود ندارد " همان عوامل پیش گفته را به علاوه ی "مشکلات ناشی از قانون کار و تراکم غیر لازم نیروی انسانی "به عنوان موانع صنعت نساجی ایران قید می کند. اما رئیس "خانه صنعت و معدن ایران "، یکی دیگر از تشکل های کارفرمایی کشور ، نیز در این زمینه ، ضمن اشاره به "قانون کار " و "قانون تجمیع عوارض "، و با انتقاد از "سازمان های مسئول (که) به دلیل ناآشنایی با صنعت نساجی ، با ورود پنبه به کشور مخالفت می کنند ، در حالی که ورود پارچه به کشور آزاد است "، "نظام کهنه دیوان سالاری "را عامل عمده ورشکستگی صنعت نساجی قلمداد کرده و اعلام می دارد که "مادام که دولت دست از قیم مابی خود برندارد و دامنه اختیارات بخش غیر دولتی را افزایش ندهد ، کماکان شاهد همان مشکلات خواهیم بود ."

به گفته ی یکی از بنکداران پارچه در بازار تهران ، "در حالی که مرغوب ترین نوع پنبه در کشور ما تولید می شود... صنعت نساجی کشور توان تولید مشتری پسند ندارد و بازار فعلی پارچه را کالاهای وارداتی تسخیر کرده اند ."از نظر این تاجر "سیاست های ناهمگون از یک سو و شیوع تقلب در بافت پارچه ها ... و رنگ آمیزی های غیراستاندارد سبب شده است حتی مصرف کنندگان داخلی اعتماد چندانی به تولیدات وطنی نداشته باشند ."وی از صحبت های خود دراین باره چنین نتیجه می گیرد که " مادام که در کار صنعت نساجی سرمایه گذاری های لازم انجام نشود ، قاچاق پارچه با تکیه به طرح های جذاب ، نقشه های اغواگرانه و مدروز ، بازار پارچه کشور را در دست خواهد داشت و هیچ حربه دیگری در این زمینه کارگر نخواهد بود ."اما مدیرکل "دفتر صنایع نساجی و پوشاک " وزارت صنایع و معادن نیز ، طی مصاحبه ای ، درباره دلایل زیان ده

بودن واحدهای پارچه بافی و شرکت های قدیمی نساجی می گوید : " برخی از شرکت های قدیمی تمایل به ادامه فعالیت ندارند و به همین منظور در لایحه نوسازی و بازسازی صنایع تمهیداتی اندیشیده شده است تا آن ها دارایی های خود را تبدیل به نقدینگی و سرمایه گذاری جدید کنند. اما به نظر می رسد که بدهی های برخی از کارخانجات مزبور از دارایی های موجود آن ها بیشتر است "و اضافه می کند : " کارخانجاتی که قبل از زیانده شدن وضعیت ثابت کمتری داشته باشند به سراشیبی افتاده و بعد به نقطه صفر می رسند. برخی سومدیریت را تنها دلیل این وضع می دانند ، در حالی که اقداماتی که دولت انجام داده است نیز در به نقطه صفر رسیدن آن ها موثر بوده است ."راه حلی هم که این مدیر کل ارائه می کند عبارت از این است که "تا زمانی که مشکلات کشور درمورد تولید و اقتصاد حل نشده است ، باید عزم جدی برای مصرف محصولات تولید داخلی داشته باشیم و اگر شرایط بهتری ایجاد شد و اقدامات مفیدی عم در مورد صنایع انجام دادیم ، آن وقت محصولات داخلی می تواند در کنار محصولات خارجی قرار گیرد."

اما واقعیت این است که این گونه تحلیل های یک جانبه و یا بی اساس و راه حل ها "های برخاسته از آن ها نه تنها هیچ تاثیری در جلوگیری از روند قهقرایی صنعت نساجی کشور نداشته ، بلکه ، در عمل ، آن را شدت بخشیده است. چنان که وضعیت این رشته عمده صنعتی که زمانی بیشترین سهم را در تامین اشتغال صنعتی کشور بر عهده داشت (طبق آمار مربوط سال ۱۳۷۸ ، نزدیک به نیم میلیون نفر در کارگاه های بزرگ و کوچک تولید منسوجات ، و بیش از ۱۲۰ هزار نفر از حدود ۷۰۰ هزار نفر کارکنان کارگاه های صنعتی بزرگ (۵۰ نفر کارکن و بیشتر) در این رشته به کار اشتغال داشته اند) امروزه به این حالت فاجعه آمیز رسیده است که نه فقط ده ها و صدها هزارنفر از امکان کار و فعالیت محروم گردیده اند بلکه از تامین حداقل نیازهای ضروری جامعه در زمینه پارچه و پوشاک نیز ناتوان مانده است.

لکن آن چه که از بررسی واقعیات سال های گذشته آشکار می شود و به دفعات و به اشکال گوناگون نیز طی اعتراضات و تظاهرات کارگران نساجی بیان گردیده است ، عوامل عمده زوال تاریخی و نابودی صنعت نساجی کشور از سیاست های رژیم جمهوری اسلامی طی دو دهه گذشته بر می خیزد. و این نه فقط از آن روست که این رژیم ، پس از انقلاب ، بخش عمده ای از امکانات و موسسات اقتصادی و صنعتی را در جنگ خود گرفته بود بلکه بواسطه مجموع سیاست هایی است که در این دوره به کارگرفته و هنوز هم می گیرد.

سیاست خصوصی سازی صنایع دولتی که جمهوری اسلامی ، طی حدود ۱۵ سال گذشته ، درپیش گرفته است ، صرف نظر از هر چیز دیگر ، ضربات سختی بر پیکر صنعت کشور و بویژه صنایع نساجی وارد آورده است. در جریان اجرای این سیاست ، صدها واحد ریسندگی و بافندگی دولتی و یا تحت پوشش دولت و بانک های دولتی ، به سرمایه داران و مدیران و برخی نهادها و ارگان های حکومتی واگذار شدند. اما هم در نتیجه تمهیدات و ترفندهایی که به منظور این واگذاری ها صورت گرفت و هم در اثر اقداماتی که بعدا در واحدهای خصوصی شده انجام پذیرفت ، بنیان فعالیت تولیدی و اشتغال در غالب این قبیل واحدها ، با اختلالاتی فزاینده روبرو گردید ، انباشتن بدهی های واحد ، اعلام ورشکستگی ظاهری و یا واقعی واحد و سرانجام فروش آن به ثمن بخس ، یکی از شگردهای رایج در جریان خصوصی سازی بود ، چنان که اخراج دسته بزرگی از کارگران شاغل ، قبل و بعد از خصوصی سازی نیز از نتایج بلاواسطه آن بود. اکنون نیز توسل به انباشتن بدهی ها (عدم پرداخت حقوق و دستمزد نیروی کار شاغل ، عدم تادیه پول آب و برق و ... ، عدم پرداخت اقساط وام های بانکی و غیره) یکی از شیوه های رایج در برخی از واحدهای نساجی است که کارخانه های نساجی و فرش غرب کرمانشاه ، نساجی خوی و... از آن جمله اند.

اکثر واحدهای بزرگ ریسندگی و بافندگی کشور سابقه ای بیش از نیم قرن و یا حداقل ۲۵ تا ۳۰ سال داشته و بنابراین ، به لحاظ فنی و تکنولوژیک ، عقب مانده بوده اند. با وجود این ، نه فقط طی دوره جنگ هشت ساله بلکه پس از آن نیز هیچ گونه اقدام جدی در جهت نوسازی غالب این واحدها انجام نگرفته و عقب ماندگی آن ها روز به روز بیشتر و شدیدترشد. علاوه بر این ، مدیریت دولتی اغلب این قبیل واحدها با نادیده گرفتن ابتدایی ترین ملاحظات اقتصادی و حسابداری ، از تامین ذخایر لازم برای جبران استهلاک ماشین آلات طفره رفته و یا این که ذخایر مزبور را به مصرف خاصه خرجی های خود رساندند. بنیادهای حکومتی نظیر "بنیاد مستضعفان "، "بنیادشهید "و غیره ، که تلقی دیگری جز " غنائم جنگی "از اموال و موسسات صنعتی تحت کنترل خود نداشتند ، اساسا فارغ از اندیشه جبران استهلاک و جایگزینی ماشین آلات بوده و گذشته از این که درآمدهای حاصل از این موسسات را صرف حیف و میل های رایج دراین گونه بنیادها کردند ، پس از اندک مدتی نیز واحدهای صنعتی و تولیدی تصاحب شده را به ویرانه هایی تبدیل نمودند.

اما بسیاری از کارخانه های نساجی بزرگ و باسابقه که بدین ترتیب در اختیار ارگان های دولتی و یا بنیادهای حکومتی قرار گرفته و بخشی از آن ها نیز ، بعدا ، به سرمایه داران خصوصی واگذار شده بود، در مرکز شهرها ویا مناطق پرجمعیت قرار داشتند. بنابراین "منطق "تبدیل به احسن ، ذهن مدیران و یا صاحبان سابق یالاحق آن ها را شدیدا به خود مشغول داشته بود. طبق این "منطق "که منطق رایج سرمایه داریست ، حفظ و تقویت بنیان تولید و اشتغال ، در برابر سود حاصل از فروش و "تبدیل به احسن "دارایی های موجود ، محلی از اعراب ندارد. بنابراین عرصه و اعیان کارخانه های نساجی را ، که اکنون به یمن رشد جمعیت و توسعه شهرها ، در مرکز شهر و محدوده اراضی "مرغوب "واقع شده است ، می توان تفکیک و تقسیم کرده و به بهای گزاف فروخت ، حتی اگر این کار به معنی نابودی شالوده صنعتی و بیکاری هزاران کارگر ماهر و آزموده باشد. بدین ترتیب بود که صاحبان دولتی یا خصوصی بخشی از واحدهای قدیمی نساجی کشور ، اساسا و عملا ، نه ادامه فعالیت این واحد بلکه دقیقا تعطیلی آن ها را روز شماری می کردند. و بدین ترتیب است که چند کارخانه بزرگ نساجی اصفهان ، که در منطقه "چهارباغ "این شهر واقع بودند ، و یا کارخانه چیت ری ، واحدهای نساجی قائمشهر ، کارخانه ریسمان ریسی سمنان ، کارخانه کشمیر کرمانشاه و... مشمول حکم " تبدیل به احسن "قرارگرفته و به تعطیلی کامل کشانده شدند و یا به آستانه تعطیلی رسیدند.

در همین حال ، لایحه "حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور "که از جانب دولت خاتمی ارائه شده و در مهر ۱۳۸۰ از تصویب مجلس ششم گذشت ، در واقع ، به منزله تیرخلاصی بود که بر شقیقه صنعت نساجی در حال احتضار ایران شلیک شد. این قانون ، آن چه را که در عمل جاری بود ، رسمیت "قانونی "بخشیده و روند آن را تسریع و تشدید کرد. برپایه این قانون ، وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری ها ، مکلف شدند تا "بادرنظرگرفتن طرح جامع شهری ، نسبت به تغییر کاربری اراضی تحت مالکیت واحدهای صنعتی نساجی که تصمیم به بازسازی و نوسازی و توسعه دارند و در محدوده قانونی شهرها قرار دارند.... به کاربری مسکونی و تجاری اقدام نموده و امکان تفکیک و فروش آن را تسهیل و از گرفتن و یا تملک هر بخشی از زمین بدون پرداخت قیمت آن با قیمت کارشناسی با کاربردی مسکونی ، خودداری کنند ."طبق همان قانون ، "نیروی انسانی مازاد واحدهای مشمول این قانون ، به پیشنهاد مدیر واحد وبا تایید کمیته ای متشکل از نمایندگان وزارت خانه های صنایع و معادن ، کار و اموراجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ، مشمول تعدیل گردیده و در مقابل پرداخت حقوق مقرر در قانون کار ، بازخرید می گردند. "در این "کمیته "البته هیچ نماینده ای از کارگران ، که ظاهرا یک طرف این قضیه "تعدیل "هستند ، وجود ندارد و در عوض و برخلاف مفاد قانون کار خود رژیم ، به نماینده وزارت کار ، نماینده های وزارت صنایع و معادن و سازمان مدیریت و برنامه ریزی هم افزوده شده اند تا هیچ تردیدی در تایید " تعدیل "موردنظر وجود نداشته باشد!

بدین سان ، زیر عنوان "بازسازی و نوسازی "، تومار بخش بزرگ دیگری از صنایع نساجی کشور نیز درهم پیچیده می شود و نه فقط بخش مهم دیگری از شالوده صنعتی کشور ، که با تلاش نسل ها و سرمایه گذاری های سنگین از محل امکانات و ثروت های عمومی جامعه فراهم شده بود ، نابود می گردد بلکه جمع وسیع دیگری از کارگران صنعتی شاغل و پرتجربه کشور نیز به انبوه چند میلیونی بیکاران افزوده می شود.

www.iran-archive.com

دو گزارش

گزارش اول _ تهران ۱۳۷۵

اول ماه مه همراه با کارگران

درسال ۱۳۷۵ هنوز کمیته ۱۶ آذر در تهران در میان مردم و کارگران فعال بود. واحدما پس از بحث و گفتگو تصمیم گرفت در حد امکان اول ماه مه را برگزار کند.

آن چه می بایست انجام می گرفت عبارت بودند از :

۱- پخش اعلامیه درباره این روز.

۲- درشت نویسی چند شعار بر روی دیوار در معابر عمومی

۳- با توجه به این که نشریه ماه بهمن و اسفند سازمان به دستمان رسیده بود تلاش کنیم تا تعدادی از آن ها را پخش کنیم.

۴- هر رفیق به طور فردی در مورد برگزاری اول ماه مه با توجه به حرکت خودانگیخته کارگران ویا برگزاری مراسم دولتی این روز در کارخانه و یا محل کار خود اقدام کند.

به همین دلیل ۶۰ برگ اعلامیه درباره اول ماه مه و شادباش این روز و مطالبات کارگری از جمله تعطیل رسمی این روز و هم چنین خواست ایجاد تشکل مستقل کارگری تهیه کردیم. برای هر نفر ۲۰ قطعه کاغذ پشت چسب دار تهیه شده بود که بر روی آن شادباش اول ماه مه و مطالبات کارگری درشت دست نویس شده بود. این کاغذها را به راحتی می توانستیم در کیوسک های تلفن ، اتوبوس های شرکت واحد ، سالن انتظار سینماها ، تابلو اعلانات شهرداری در خیابان ها و معابر عمومی بچسبانیم. از نشریه بهمن و اسفند ۷۴ هم که به دستمان رسیده بود ۲۰ نسخه تکثیر کردیم تا به صورت انتخابی به داخل خانه ها بیاندازیم و یا در اتوبوس شرکت واحد ویا کیوسک تلفن بگذاریم ویا به افرادی که آنان را می شناختیم به صورت کاملا مطمئن و طبیعی بدون آن که بوسیله آنان شناسایی شویم برسانیم.

برای شعارنویسی روی دیوار همراه با یکی از رفقا سه نقطه را از قبل شناسایی کردیم. چندبار به آن نقاط رفتیم و موقعیت محل و اطراف آن را خوب بررسی کردیم. چند اسپری رنگ تهیه نمودیم. این سه محل عبارت بودند از دیوار کارخانه شماره ۲ صنایع فلزی در منطقه شادآباد ، دیوار کارخانه پارس الکتریک کیلومتر ۹ جاده قدیم کرج و دیوار جنب کارخانه ایران ابزار در جاده آبعلی ، نزدیک خیابان سازمان آب و اتحاد. دو نقطه اول به دلیل نزدیکی به کارخانجات گروه نوشابه سازی مانند زمزم (پپسی) و ساسان (کانادادرای) و کوکاکولا ، صنایع شیر پاستوریزه ، گروه صنایع کفش ملی و شادانپور ، کارخانجات ایران خودرو ، کارخانه های قلعه حسن خان و جاده ساوه مانند کیان تایر و بنزخاور از موقعیت خوبی از این جهت که می توانست در معرض دید کارگران زیادی قرارگیرد ، برخوردار بودند و نقطه سوم هم به همین دلیل به نوعی به کارخانجات زیادی مانند کارخانه آزمایش ، فیلیپس ، تلویزیون پیام ، ایران جامکو ، تمام کارخانه های خیابان اتحاد و سازمان آب و کیمیادارو را دربر می گرفت و هم چنین به دلیل روابطی که با بعضی از کارگران این کارخانجات داشتیم حدودا می توانستیم از بازتاب آن باخبرگردیم.

برای نوشتن شعارها بر روی دیوار می بایست صبح زود قبل از روشن شدن هوا اقدام کنیم. حدود ۳ هفته قبل از اول ماه مه در ۳ روز صبح زود این کار را انجام دادیم. همه شعارها با نام سازمان و بسیاردرشت و زیبا نوشته شدند. برای پخش اعلامیه آن ها را دو نفری پخش می کردیم. بدین صورت که علاوه بر شناسایی قبلی محل ، یک نفر از جلو با فاصله ای معین حرکت می کرد و نفر دوم اعلامیه ها را به درون خانه موردنظر می انداخت و یا در محل معین می گذاشت.

در آن سال در کارخانه مبل ایران و پارس الکتریک اگرچه مراسم دولتی روزکارگر برگزار شد ولی در همین دو کارخانه نیز کارگران بعضی واحدها توانستند به صورت مستقل و علنی مراسم اول ماه مه را برگزار کنند. در روز اول ماه مه ، یکی از رفقای واحد در مراسمی که توسط رفقایی از تشکل فلزکارمکانیک همراه با چندین نفر از کارگران و دوستان خود برگزار نموده بودند شرکت کرد.....

گزارش دوم _ زندان اوین ۱۳۶۳ – بند زنان

از اواخر سال ۱۳۶۳ زنان سرموضع از بندهای ۱و۲و۳و۴ که بندهای درباز بودند به بند یک دربسته انتقال داده شدند. شرایط طاقت فرسایی بود. گرچه در میان جمع ما زن کارگری نبود ولی تلاش کردیم اول ماه مه را برگزار کنیم.

برگزاری این روز به صورت جمعی در بند درباز امکان پذیر نبود. برای برگزاری این روز تا حدود زیادی تدارک دیده بودیم. کمی سبزه از دانه های جارو سبز کردیم. آن چه از شیرینی های عید خریده بودیم و مانده بود برای این روزآماده کردیم. کمی هم مربا تهیه کردیم تا به عنوان شیرینی استفاده کنیم.

جشن اول ماه مه را با یک دقیقه سکوت به یاد همه آنانی که در راه آزادی جان باخته بودند شروع کردیم. در میان ما رفقایی که در رژیم شاه هم در زندان بودند از تاریخچه اول ماه مه می گفتند. پس از آن سرودهای زیادی خواندیم. رفقایی که اشعار حافظ را از بر داشتند برای جمع ابیاتی از آن خواندند. هر کس ترانه ، شعر و یا آوازی می دانست از جمع دریغ نکرد.

بعد از ظهر نوبت تعریف رمان هایی بود که خوانده بودیم . رمان های گاردجوان ، ژان کریستف ، کلیدر و... پس از آن هرکس تجاربی از محیط کار و شغل خود داشت برای دیگران گفت.

پایان برنامه نوبت به بازگویی خاطره از مسافرت ها به شهرهای مختلف بود. من نازه ۲۲ سال داشتم و چقدر دلم می خواست تا آزادشوم و به شهرهای میهنم مسافرت کنم. من تقریبا به جز تهران هیچ شهر دیگری را ندیده بودم. ولی هنوز باید چندسالی در زندان می ماندم. شاید هم در اول ماه مه دیگری آزاد می شدم.

www.iran-archive.com

جنبش کارگری ایران ، ...

ادامه از صفحه ۳

- تصویب قانون معافیت کارگاه ها و مشاغل دارای ۵ نفر کارگر و کمتر از شمول قانون کار تا پایان برنامه سوم توسعه توسط مجلس به تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۷۸

- تصویب قانون بازسازی و نوسازی صنایع نساجی در مجلس اصلاح طلبان که به موجب بند » د «آن دست کارفرمایان برای اخراج کارگران بازتر گذاشته می شود.

- تلاش های اخیر برای تغییر قانون کار موجود به نحوی که اخراج کارگران بازهم ساده تر صورت گیرد.

- خفقان سیاسی ، حضور نیروهای نظامی در کارخانه ها و سرکوب خشونت آمیز بسیاری از اعتراضات کارگری.

بنا بر آن چه گفته شد به نظر می رسد چشم انداز بهبود در وضع زندگی و حقوق کارگران بیش از هر زمان دیگر در طول حیات جمهوری اسلامی ، با سرنگونی این رژیم به دست توده مردم گره خورده است.

با تشکر از وقت و زحمتی که برای مصاحبه گذاشتی . امیدواریم در فرصتی دیگر مشروح تر به گفتگو بنشینیم و از تجاربت بیاموزیم.

۱۰ آوریل ۲۰۰۳

×برای اطلاع بیشتر از PNACرجوع کنید به صفحه اینترنتی www.swans.com & www.iraniansforpeace.com

هم چنین در مقاله ای از GREGORY ELICHبا عنوان »هدف اصلی آمریکا در اشغال عراق «که اخیرا به همت فرید کاشف ترجمه شده است ، اطلاعات جالبی درباره PNACوجود دارد.

××در مقاله زیر کوشش شده مشخصات تشکل های مختلف کارگری و اهمیت شعار تشکل مستقل کارگری از دیدگاه سوسیالیستی بررسی شود.(ناصرسعیدی ، تشکل مستقل کارگری : انواع ، ویژگی ها و وظایف ، کتاب پژوهش کارگری شماره ۷ ، زمستان ۲۰۰۳ ، صفحات ۵۰-۷)

۱۱ اردیبهشت ، اول ماه مه ، روز جهانی کارگران ، گرامی باد !

در چهارمین روز ماه مه سال ۱۸۸۶ ، کارگران شیکاگو که از سه روز قبل همراه با هزاران کارگر در شهر های مختلف با شعار "هشت ساعت کار در روز برای هر کار ! "، رزم متحدانه صنفی _ طبقاتی خود را در خیابان ها به نمایش گذارده بودند با شلیک گلوله های پاسداران سرمایه به خاک و خون کشیده شدند. چهارتن از رهبران اعتصاب به جوخه های اعدام سپرده شدند. یادشان گرامی باد!

سه سال پس از این حماسه تاریخی ، در ژوئیه ۱۸۸۹ ، کنگره بین الملل سوسیالیستی کارگران ، به ابتکار "انگلس "، روز اول ماه مه را به عنوان "روز همبستگی کارگران جهان "اعلام داشت.

امروز
روز ضیافت کار است
میهمانان _ زحمتکشان روی زمین _ در راهند.
باید میدان شهر را آذین بست
با پتک ها ، سندان ها ،
با داس ها و گاوآهن ها ،
با سرودها و قلم ها.
آرایه های میدان را هر یک
در جای خویش بگذاریم :
پرچم های سرخ
در اطراف
مشت های برافراشته
در وسط
وسرود همبستگی
بر فراز میدان.
امروز اول ماه مه ،
جشن بزرگ انسان ها ،
جشن بزرگ ترین انسان ها ، جشن خجسته کار است .
باید میدان ها را آراست.
فاتحان تاریخ
-کارگران –
در راهند.
و "انترناسیونال"
چون افتابی تابان
بر فراز جهان
نور می پاشد.

(از سرودهای کنفدراسیون کارگری اسپانیا)
کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فداییان خلق ایران

اتحاد کار
ویژه اول ماه مه، روز جهانی کارگر
شماره ۱۰۸ ، اردیبهشت ماه ۱۳۸۲
مه ۲۰۰۳

ETEHADE KAR
MAI ۲۰۰۳
NO. ۱۰۸

نامه های خود را به آدرسهای زیر از یکی از کشورهای خارج برای ما پست کنید. تماس با روابط عمومی سازمان:

آدرس پستی (جدید):
ETEHAD
B. P. N°. ۳۵۱
۷۵۶۲۵ PARIS Cedex ۱۳
France

آدرسهای سازمان در اروپا:
آلمان: (جدید)
POSTFACH ۲۹۰۳۳۹
۵۰۵۲۵ KÖLN
GERMANY

نروژ :
POST BOKS ۶۵۰۵
RODELO KKA
۰۵۰۱ OSLO ۵
NORWAY

آدرس آمریکا و کانادا :
E. F. K. I.
P.O. BOX ۴۱۰۵۴
۲۵۲۹ SHAUGHNESSY STREET
PORT COQUITLAM. B.C.
V ۳ C ۵ G O
CANADA

آدرس پست الکترونیکی
postchi@noos.fr
آدرس صفحهٔ سازمان در انترنت
www.etehadefedaian.org

فاکس (۴۹) ۲۲۴۱۳۱۰۲۱۷
تلفن (۳۳) ۶۰۸۶۰۱۳۵۶

بها معادل : ۱/۵ ارو

www.iran-archive.com